

افقهای گزارشگری مالی

بخش دوم

دیدگاههای سرمایه‌گذاران و

عدم قطعیت اندازه‌گیری

مرتضی اسدی
غلامرضا زارعی
مینا فرنود احمدی



مقدمه

گزارش حاضر دومین گزارش از مجموعه گزارشهای *افقهای گزارشگری مالی* است، که بر شناسایی فرصتها برای روشن شدن دامنه گزارشگری مالی متمرکز شده است و از مباحث جاری در مورد مربوط بودن گزارشهای مالی برای مقاصد عمومی به شکل فعلی، سرچشمه گرفته و شامل مواردی نظیر محتوای درونی و پاسخ به این سوال است که آیا این گزارشها میتوانند نیازهای اطلاعاتی در حال تحول سرمایه گذاران را در محیط پیچیده کسبوکار تامین کنند یا خیر (داورن و همکاران ۲۰۲۲).

گزارشگری مالی چگونه میتواند نیازهای اطلاعاتی در حال تغییر سرمایه گذاران را تامین کند، با توجه به این که نیازهای استفاده کنندگان از گزارشهای مالی در دنیای کسبوکار به شدت دستخوش تحول است، گزارش حاضر راهنمایی برای کمک به نحوه گزارشگری مالی با مقاصد عمومی و آینده نگر ارائه کرده است و در واقع به تبیین این موضوع می پردازد که چگونه گزارشگری مالی در عصر حاضر میتواند نیازهای اطلاعاتی سرمایه گذاران را تامین نماید.

بنابراین، هدف این مطالعه به الزام توسعه دامنه گزارشگری مالی نیست؛ بلکه کمک به تعیین مجدد جایگاه عملکرد گزارشگری مالی است. می خواهیم اطمینان خاطر کسب کنیم که همچنان گزارشگری مالی ابزار ارتباطی موثری است که آنچه را که لازم باشد در مورد عملکرد یک واحد تجاری در اختیار استفاده کنندگان قرار می دهد.

بر اساس اولین گزارش این مجموعه (گزارش قسمت اول) که بر دیدگاههای تهیه کنندگان تمرکز داشت، در این گزارش به بررسی دیدگاههای سرمایه گذاران می پردازیم. در این گزارش ما به طور خاص نقش عدم قطعیت اندازه گیری را در تعیین آنچه که مستلزم شناخت و اندازه گیری در صورتهای مالی با مقاصد عمومی توسط تهیه کننده است، بررسی می کنیم. مطابق هرم گزارشگری مالی که در قسمت اول معرفی شد (داورن و همکاران ۲۰۲۲)، شناخت و اندازه گیری را حد اعلاي گزارشگری مالی می دانیم و همانطور که در گزارش قبلی به آن اشاره شد، در این مطالعه نیز تصدیق می کنیم که عدم قطعیت اندازه گیری نشان دهنده چالشهایی برای شناخت

کامل و اندازه گیری صحیح است.

باید توجه داشت که عدم قطعیت اندازه گیری، به الزام چالشی نیست که سیاست گذاران با ارائه رهنمودها و استانداردهای صریح و شفاف در مورد روشهای اندازه گیری بتوانند راهکارهایی ارائه کنند، بلکه لازم است در مورد مسایلی که دامنه و منابع این عدم قطعیت اندازه گیری را ایجاد می کنند، شفافیت بیشتری وجود داشته باشد؛ برای مثال، از طریق افشاهای مربوط در یادداشتهای توضیحی می توان این کار را انجام داد. در این حالت، استفاده کنندگان صورتهای مالی می توانند میزان عدم قطعیت اندازه گیری هر یک از اقلام گزارش شده را ارزیابی کرده و آن را در مدل های تصمیم گیری خود به کار گیرند. گزارشگری برای اتخاذ تصمیمهای سودمند و تفسیر گزارشهای مالی همواره نیازمند قضاوت حرفه ای است (داورن و همکاران ۲۰۲۲).

در نتیجه، در این گزارش به بررسی دیدگاههای سرمایه گذاران در مورد نقاط قوت و چالشهای گزارشگری در مورد اقلامی می پردازیم که در محدوده گزارشگری مالی قرار دارند، اما اغلب به دلایل مختلفی از جمله نگرانی در مورد عدم قطعیت اندازه گیری در حال حاضر طبق استانداردهای گزارشگری مالی بین المللی (IFRS) در گزارشهای مالی شناسایی نمی شوند. مطالعه حاضر مبتنی بر پژوهشهای انجام شده توسط داورن و همکاران در سالهای اخیر است (2018a و 2019b) که بر سودمندی تصمیمها در گزارشگری مالی با مقاصد عمومی در شرکتهای استرالیایی تمرکز دارد. مطالعات قبلی نشان می دهد که به رغم انتقاد به گزارشگری مالی، سودمندی گزارشگری مالی در تصمیم گیریها به قوت خود باقی است.

پیرو موضوعهای مطرح شده در گزارش قسمت اول، در این قسمت بر گزارشگری داراییهای نامشهود و مسایل پایداری تمرکز می کنیم که این دو موضوع جزو مواردی است که دارای عدم قطعیت بیشتری در اندازه گیری می باشند. هدف ما درک چالشهای پیشبرد هرم گزارشگری به منظور شناخت و اندازه گیری در شرایط عدم اطمینان است. به ویژه از دیدگاه سرمایه گذاران به این سوال می پردازیم که: فرصتها و چالشهای توسعه شناخت و اندازه گیری در مواردی که استانداردهای فعلی عدم قطعیت اندازه گیری را به عنوان یک

مشکل در نظر می‌گیرند، کدامند؟

هرم گزارشگری مالی: مرور کلی

در گزارش قسمت اول هرم گزارشگری مالی به عنوان چارچوبی برای شناسایی کیفیت فزاینده اطلاعات گزارش شده، معرفی گردید که از افشای داوطلبانه به سمت شناخت و اندازه‌گیری مطابق با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی حرکت می‌کند. راس هرم نشان‌دهنده «استاندارد طلایی» شناخت و اندازه‌گیری است، که مبتنی بر یافته‌های مطالعات پیشین عنوان می‌کند که شناخت و اندازه‌گیری منجر به ارائه داده‌های اساسی باکیفیت می‌شود (داورن و همکاران، 2019b). این نتیجه ممکن است باعث افزایش توجه مدیریت و حساب‌رسان به اقلامی شود که نیازمند گزارش و بررسی بیشتری است. استدلال ما این است که پایین آمدن از راس هرم، تا حدودی به دلیل چالش‌های ناشی از عدم قطعیت اندازه‌گیری است. عدم رعایت معیارهای شناخت در صورتهای مالی با مقاصد عمومی، به دلیل عدم قطعیت در اندازه‌گیری پدیده‌های

زیربنایی، یا نسبت دادن ارزش پولی به این پدیده‌ها، به احتمال منجر به افشا در یادداشتهای همراه صورتهای مالی با مقاصد عمومی می‌شود.

همانطور که در گزارش قسمت اول بحث شد، در صورت ثابت بودن سایر شرایط، گزارش قابل‌اتکاتر از یک قلم منجر به گزارشی مفید و پرمحتوا از آن قلم خواهد شد. به عبارت دیگر، هر چه گزارش مرتبط با یک قلم به راس هرم نزدیک می‌شود، گزارش حاصل قابلیت اتکای بیشتری داشته و پرمحتواتر خواهد بود. با این حال، حرکت به سمت بالای هرم موجب محدودیت در دامنه شده و بنابراین، نیروی متقابلی را ایجاد می‌کند که ممکن است محتوای کلی گزارشگری مالی را کاهش دهد. این امر تنشی بین تمایل برای گزارشگری اقلام به سمت راس هرم ایجاد می‌کند؛ زیرا از یک سو این نحوه گزارشگری موجب افزایش سودمندی و محتوای گزارشها می‌شود ولی از سویی دیگر به دلیل حذف اقلام مربوط، موجب کاهش سودمندی و محتوای کلی گزارشگری مالی می‌شود. بنابراین در حوزه

شکل ۱. هرم گزارشگری مالی



(برگرفته از مطالعه داورن و همکاران، ۲۰۲۲)

در بخشهای بعدی، تحلیل خود را مبتنی بر دو حوزه موضوعی کلیدی سازماندهی می‌کنیم؛ (۱)

گزارشگری مالی مرتبط با پایداری (و به‌ویژه ریسک مرتبط با شرایط اقلیمی و آب‌وهوا)؛ و (۲) داراییهای نامشهود. دو دلیل اصلی برای تمرکز بر این حوزه‌ها وجود دارد؛ (۱) هر کدام از این حوزه‌ها در حال حاضر در دستور کار تدوین‌کنندگان استانداردها، هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی قرار دارند؛ و (۲) هر دو موضوع فوق چالشهایی برای مرزهای گزارشگری مالی، همانطور که بیان شده است، ایجاد کرده‌اند (بارث، ۲۰۲۲)، که این چالشها از عدم قطعیت اندازه‌گیری ذاتی آنها ناشی می‌شود.

همچنین به‌هم پیوستگی موضوعهای فوق به‌علاوه اشاره صریح محققان، فعالان و تدوین‌کنندگان استاندارد، از جمله گروه مشاوره مالی اروپا (EFRAG) به این موضوع که لازم است مرزهای بین گزارشگری مالی و گزارشگری پایداری و ارتباط متقابل این دو بعد، مورد توجه قرار گیرد (EFRAG، ۲۰۲۳).

ما یافته‌های خود را در قالب دیدگاه‌های مختلف برای اطلاع‌رسانی رهنمودهای خط‌مشی آتی برای ارائه گزارشهایی که این حوزه‌های موضوعی را دربر می‌گیرد و به‌طور بالقوه امکان اندازه‌گیری بیشتر عدم قطعیت را به سمت راس هرم فراهم می‌کند، با هم ادغام می‌کنیم.

دیدگاه‌های سرمایه‌گذاران: داراییهای نامشهود

هدف اصلی از مصاحبه‌ها بررسی دیدگاه سرمایه‌گذاران در شناخت و اندازه‌گیری بود، که شامل جستجوی دیدگاه‌ها در مورد موضوعهای مفهومی یا سایر موارد، از دیدگاه صاحب‌شوندگان، و بحث در مورد شناخت و اندازه‌گیری داراییهای نامشهود بود. به‌طور کلی، سرمایه‌گذاران دیدگاه‌های مختلفی را در مورد این موضوع و مطلوبیت ارائه اطلاعات در مورد داراییهای نامشهود به سرمایه‌گذاران، ارائه کرده‌اند.

بحث محوری در مورد نحوه ارائه اطلاعات به سرمایه‌گذاران در مورد داراییهای نامشهود این است که بهتر است ارائه اطلاعات در قالب شناخت و اندازه‌گیری یا افشای اطلاعات

گزارشگری داراییهای نامشهود و گزارشگری پایداری، هدف این گزارش بررسی پتانسیل لازم برای گزارش اقلیمی است که دارای عدم قطعیت بالایی در اندازه‌گیری، به سمت راس هرم گزارشگری مالی می‌باشند.

روش تحقیق و داده‌ها

برای بررسی سوال کلیدی تحقیق، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته‌ای با سرمایه‌گذاران مختلف انجام دادیم. سوالات مصاحبه طیف گسترده‌ای از موضوعها را در خصوص درک نقش صورتهای مالی با مقاصد عمومی حسابرسی شده در تصمیمهای سرمایه‌گذاران از طریق مسایلی نظیر قابلیت اتکا، آگاهی بخشی و اندازه‌گیری عدم قطعیت، در حوزه داراییهای نامشهود و گزارشگری پایداری را دربر می‌گیرد. مصاحبه شونده‌ها شامل سرمایه‌گذارانی با موقعیتهای / سوابق زیر می‌باشند:

- سرمایه‌گذاران خرد حرفه‌ای،
 - مدیران سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی،
 - کارگزاریهای مدیریت سرمایه‌گذاری،
 - صندوقهای بزرگ مدیریت دارایی، و
 - معامله‌گران الگوریتمی یا کمتی با افق زمانی کوتاه‌مدت.
- تمام مصاحبه‌ها در نیمه اول سال ۲۰۲۳ از طریق Zoom، ضبط و به‌صورت حرفه‌ای رونویسی شد. از طریق مصاحبه‌ها بیش از ۴۰,۰۰۰ کلمه (۷۹ صفحه) برای کدگذاری و تجزیه و تحلیل ایجاد شد.

به‌طور عمدی، انتخاب سرمایه‌گذاران برای مصاحبه متنوع، شامل سرمایه‌گذاران خرد و سرمایه‌گذاران حرفه‌ای انجام گردید. اگرچه اصطلاح "سرمایه‌گذار" به‌طور کلی اغلب هنگام ارجاع به استفاده‌کنندگان صورتهای مالی و اطلاعات مالی استفاده می‌شود، ویژگیها و نیازهای اطلاعاتی سرمایه‌گذاران خرد و حرفه‌ای از نظر هدف و افقهای زمانی سرمایه‌گذاری متفاوت است—یعنی "یک قالب و چارچوب برای تمام سرمایه‌گذاران مناسب نیست" (چنهال و جوچاو، ۱۹۷۷). به عنوان بخشی از گزارش فعلی، این تفاوتها برجسته شده و بخشی از روایتها، دیدگاه سرمایه‌گذاران را تشکیل می‌دهند.

چالشهای شناخت و اندازه‌گیری گسترده‌تر داراییهای نامشهود

داده‌های مصاحبه چندین چالش مرتبط با شناخت و اندازه‌گیری داراییهای نامشهود را فراتر از الزامهای فعلی ارائه می‌کند (به‌عنوان مثال، داراییهای نامشهود تحصیل شده برون‌سازمانی و برخی داراییهای نامشهود توسعه‌یافته درون‌سازمانی).

این چالشها را می‌توان به‌شرح زیر مشخص کرد:

(الف) اولین چالش مربوط به ارزیابی گسترده‌تر داراییهای نامشهود فراتر از صورتهای مالی است:

... اعداد و ارقام مربوط به داراییهای نامشهود در صورتهای مالی ... اگر واقعا بخواهید چشم‌اندازهای یک کسب‌وکار قدیمی را درک کنید، [۱] در عمل صورت وضعیت مالی (ترازنامه) را نگاه نمی‌کنید و شما به ارزیابی گسترده‌تری نیاز دارید، و لازم است تا با رقبا و شرکت گفتگو کنید و در نهایت به یک برآورد نسبی دست یابید (سرمایه‌گذار ۱).

(ب) چالشهای ایجادشده با توجه به ماهیت واحد تجاری:

برای ما سرمایه‌گذاران کسب‌وکارهای اندکی وجود دارند که ارزش دفتری داراییهای نامشهود آنها موجب اتخاذ تصمیمهای سرمایه‌گذاری متفاوتی می‌شود (سرمایه‌گذار ۳). (ج) ماهیت اندازه‌گیری به‌جای شناخت و اندازه‌گیری، می‌تواند به افشا کمک کند:

... وقتی برای این چیزها ارزش قایل هستید، این ... یک مهارت کمی نیست بلکه یک ادراک کیفی است. بنابراین، من علاقه‌مند به یادداشت‌های همراه در مورد این نوع داراییها هستم. که به‌احتمال در صورت وضعیت مالی (ترازنامه) اشاره‌ای با آنها نشده است؛ هر چند ... (سرمایه‌گذار ۴).

(د) هزینه‌های اختصاصی گزارش اطلاعات حساس تجاری: آنها می‌خواهند سرمایه‌گذاران را تشویق به سرمایه‌گذاری کنند، اما نمی‌خواهند جزئیات دقیق مربوط به فرصتها و کسب‌وکارشان را در اختیار سرمایه‌گذاران قرار دهند. ممکن است این کسب‌وکارها، حق امتیازی پنهان و افشانشده، و یا کارهای در حال انجام دیگری داشته باشند.

ممکن است دارو و یا چیزهایی از این قبیل باشد؛ با این که

در یادداشت‌های همراه صورتهای مالی باشد. این موضوع به‌ویژه در مورد داراییهای نامشهودی که در داخل واحد تجاری ایجاد شده‌اند، صادق است که (جز استثنای محدود، مانند هزینه‌های توسعه) به‌طور کلی در ترازنامه واحد تجاری شناسایی نمی‌شوند؛ زیرا هزینه آنها به‌طور قابل‌اتکایی قابل‌اندازه‌گیری نبوده و حاصل معامله و مبادله‌ای نمی‌باشند. به‌طور خاص، بند ۵۱ استاندارد ۱۳۸/داراییهای نامشهود هیئت تدوین استانداردهای حسابداری استرالیا (AASB 138)^۱ عنوان می‌کند که:

گاهی اوقات ارزیابی این که آیا دارایی نامشهود ایجادشده در واحد تجاری حایز شرایط شناخت است، به‌دلایل زیر بسیار دشوار است:

(الف) دشواری تعیین وجود و زمان ایجاد یک دارایی قابل‌شناسایی که منافع اقتصادی آتی مورد انتظار ایجاد خواهد کرد؛ و

(ب) دشواری تعیین بهای تمام‌شده دارایی به‌طور قابل‌اتکا. در برخی موارد، نمی‌توان مخارج ایجاد یک دارایی نامشهود در داخل واحد تجاری را از مخارج نگهداری یا ارتقای سرقتی ایجادشده در داخل واحد تجاری یا مخارج اداره عملیات روزمره واحد تجاری، متمایز کرد.

ذکر این نکته ضروری است که چارچوب مفهومی گزارشگری مالی به اندازه‌گیری عدم قطعیت پرداخته و اذعان می‌دارد که:

استفاده از برآوردهای معقول، بخشی ضروری در تهیه اطلاعات مالی است و این‌گونه برآوردها سودمندی اطلاعات را کاهش نمی‌دهد؛ به‌شرطی که برآوردها به‌صورت واضح و دقیق انجام شوند. حتی سطح بالایی از عدم قطعیت اندازه‌گیری به‌الزام مانع چنین برآوردی از ارائه اطلاعات سودمند نمی‌شود (بند ۵۰، ۱۹)^۲. با وجود این، به‌منظور رویارویی با عدم قطعیتی که در چارچوب مفهومی بیان شده است، استانداردهایی مانند AASB 138^۳ در رابطه با شناسایی داراییهای نامشهود ایجادشده در داخل واحد تجاری و نیز رویه‌های افشا، به‌دلیل عدم افشای داوطلبانه داراییهای نامشهود شناسایی نشده، به‌طور مستقیم و به‌صراحت مواردی را ذکر نکرده‌اند (داورن و همکاران ۲۰۲۱).

داروسازی. من فکر می‌کنم نتایج برند بسیار مشهودتر از معیارهای مالی است که اغلب توسط موسسات ارائه می‌شوند و به هر حال مردم ارزش بیشتری برای آن‌ها قایل می‌شوند (سرمایه‌گذار ۳).

دیدگاه

یک عامل تعیین‌کننده در مبحث شناخت و اندازه‌گیری، میزان ارزشگذاری سرمایه‌گذاران برای مواردی (اقلامی) است که در حال حاضر شناسایی نشده‌اند - چه از طریق برآوردهای نسبی یا معیارهای مالی مشهود موجود.

سوال اصلی، عدم تقارن اطلاعات است: این که مدیریت واحد تجاری تا چه حدی به اطلاعات منحصر به فرد دسترسی دارد که این اطلاعات برای ارزشگذاری اقلام مهم می‌تواند اهمیت داشته باشد.

(ج) با توجه به چالشهای ماهوی و اندازه‌گیری که موجب ایجاد تغییرهایی در هرم گزارشگری شده و به جای شناخت و اندازه‌گیری به افشا می‌پردازد، دیدگاههای سرمایه‌گذاران متنوع است؛ در حالی که سرمایه‌گذار (۴) بر افشای اطلاعات در یادداشتهای همراه تمرکز دارد، سرمایه‌گذار (۱) نظر مخالفی داشته و عنوان می‌کند:

فکر نمی‌کنم این دلیلی برای کاهش ارائه یا ارائه مجدد ارقام باشد (سرمایه‌گذار ۱).

مبنای اساسی برای این دیدگاههای متنوع، یک سوال تجربی است؛ اما باید توجه داشت که سرمایه‌گذار (۴) به طور کلی دارای دیدگاهی سنتی‌تر، با دامنه‌ای محدود نسبت به گزارشگری مالی است و سرمایه‌گذار (۱) بیشتر بر ماهیت گزارشگری مالی توجه دارد و چیزی فراتر از ارقام را در نظر می‌گیرد. به طور کلی: [گزارشگری مالی] . . . یک نقطه دسترسی به اطلاعات است که قوانینی در اطراف خود دارد؛ به طوری که شما می‌فهمید که در مقادیر مختلف گزارش شده چه ماهیتی موجود است (سرمایه‌گذار ۱).

در حالی که دیدگاهها و بحثهای متفاوتی پیرامون این موضوع وجود دارد، یک سرمایه‌گذار که هر دو دیدگاه رقیب را در شناخت و اندازه‌گیری داراییهای نامشهود در نظر دارد، عنوان می‌کند:

من در مورد این کسب‌وکارها چیز زیادی نمی‌دانم ولی فرض من این است زمانی که کسب‌وکارها اقدام به تولید محصولات و خدمات جدیدی می‌کنند، تمایل به افشا ندارند . . . (سرمایه‌گذار ۹).

استدلالاتها و دیدگاههایی برای گزارشگری

بسیاری از این چالشهای مرتبط با شناخت و اندازه‌گیری گسترده‌تر داراییهای نامشهود را همانطور که در زیر نشان داده شده است، می‌توان به سهولت رد کرد:

الف) صورتهای مالی مکمل سایر منابع اطلاعاتی است. شناخت و اندازه‌گیری گسترده‌تر داراییهای نامشهود، نقطه مقایسه‌ای برای برآوردهای نسبی سرمایه‌گذاران فراهم می‌آورد، که هم موجب ارزیابی دقیقتر داراییهای نامشهود (یعنی نقش تاییدی)، و هم موجب ارزیابی قابلیت اتکای گزارشگری مدیریت (برای مثال، نقش اعتباری) می‌شود؛ لازم است اطمینان داده شود که چه میزان ارزش و اعتبار برای صورتهای مالی قایل هستید (سرمایه‌گذار ۲).

دیدگاه

نیاز به نقش مکمل و دوگانه شناخت و اندازه‌گیریهای گسترده‌تر به عنوان تایید و بررسی قابلیت اتکای ارزشگذاریها وجود دارد. (ب) تفاوت در مربوط بودن داراییهای نامشهود برای واحدهای تجاری مختلف، دلیلی بر عدم شناخت و اندازه‌گیری گسترده‌تر آن‌ها نیست، بلکه دلیلی بر لزوم وجود یک استاندارد با دامنه مناسب است. همانطور که یکی از سرمایه‌گذاران اشاره کرد:

من می‌توانم به طور بالقوه برخی از پیشرفتهای کسب‌وکار را تصور کنم که در قالب تحقیق و توسعه ممکن است گزارش شود یا در مورد شرکتهای داروسازی ممکن است موردی در مرحله تحقیق و مطالعه آن‌ها تاثیرگذار باشد و مواردی نظیر آن . . . که احتمال دارد این موارد بر وضعیت مالی موسسات تاثیر عمده‌ای داشته باشد . . . ممکن است برخی از نامهای تجاری نیز وجود داشته باشد، که می‌تواند در آنجا بیان شود ولی من بیشتر وقتی صحبت از داراییهای نامشهود می‌شود به برند و نام تجاری می‌اندیشم تا به موارد مرتبط با صنایع

در حال حاضر سرمایه‌گذاران

ترجیح می‌دهند که

اطلاعات مرتبط با ریسکها و

فرصتهای اقلیمی

آب‌وهوایی

به‌طور جداگانه در

گزارشهای پایداری و نه در

صورت‌های مالی ارائه شوند

نکته کلیدی تعیین سطح مناسبی از تجمیع است که بدون تحمیل هزینه‌های اختصاصی، اطلاعات معناداری را به سرمایه‌گذاران مخابره کند.

پیامدها و مسایل مربوط به سیاست‌گذاری

در حالی که توسعه گزارشگری داراییهای نامشهود از دیدگاه سرمایه‌گذاران جای بحث دارد، با این حال روشن است که می‌توان بسیاری از این چالشها را رفع کرد. با تعریف دامنه مناسب و ارائه استاندارد که الزام به توسعه شناخت داراییهای نامشهود کند، می‌توان مربوط بودن صورت‌های مالی با مقاصد عمومی را برای سرمایه‌گذاران بهبود بخشید.

دامنه مناسب باید چالشها و استدلالهای فوق را مدنظر قرار داده و از طریق عدم تقارن اطلاعاتی، مربوط بودن صورت‌های مالی را افزایش داده، از طریق شفافیت در ارزش‌گذاری حالت ذهنی را مدیریت کرده و ضمن حفظ آگاهی‌دهندگی، هزینه‌های اختصاصی را به وسیله الزام گزارشگری در سطح بالایی از تجمیع اطلاعات، مدیریت نماید.

یک نکته مهم در اینجا آن است که همه سرمایه‌گذاران از نظر نیازهای اطلاعاتی و توانایی تفسیر گزارشهای مالی، یکسان

من فکر می‌کنم دانستن این موارد خوب است، اما پس از آن باید تمام فرضیه‌های ممکن را به نحوی تنظیم کرد که مردم بتوانند با در نظر گرفتن آنها حرکت کنند. (سرمایه‌گذار ۲).

شفافیت پیرامون فرضیه‌ها موضوعی رایج بود، و نقش مهم اعتباربخشی نیز توسط سایر سرمایه‌گذاران مورد تاکید قرار گرفته و برجسته‌سازی شده است:

من خواهان فرضیه‌ها هستم، من یادداشتهایی می‌خواهم که حالت ماهیتی (ذهنی) داشته باشد و یک نهاد بیرونی که اطلاعات را تایید کرده است... حسابرس شما یا شخص برون‌سازمانی دیگر (سرمایه‌گذار ۹).

دیدگاه

عدم قطعیت و ذهنی بودن در شناخت و اندازه‌گیری را می‌توان از طریق اعتباربخشی و شفافیت مناسب فرضیه‌ها و روش تعیین ارزش مورد خطاب قرار داد. شفافیت برخلاف برخی از موارد فعلی، باید معنادار باشد. قدر مسلم، فرایند اعتباربخشی نیازمند در نظر داشتن این مورد است که آیا شفافیت کافی است تا امکان تفسیر معنادار عدم قطعیت اندازه‌گیری را فراهم کند؟ (د) موضوع هزینه‌های اختصاصی به عنوان یک مشکل مطرح نمی‌شود. زمانی که اطلاعات محیطی تجمیعی و جامعی در اختیار باشد:

در واقع، من به دلایل مختلفی فکر نمی‌کنم که این یک ریسک بزرگ است... حتی اگر بخواهیم افشای مرتبط با داراییهای نامشهود را توسعه دهیم، روشی که کسب‌وکارها به تجمیع این اطلاعات می‌پردازند به شدت موجب کاهش دامنه فعالیت می‌شود؛ تا جایی که مزیت رقابتی کسب‌وکار را به مخاطره می‌اندازد.

من فکر می‌کنم در حال حاضر اطلاعات زیادی در موارد اساسی وجود دارد؛ به طوری که افشای رقم کل ارزش، چه بهای تمام شده باشد چه ارزش منصفانه، به احتمال تفاوت زیادی در محیط رقابتی ایجاد نمی‌کند (سرمایه‌گذار ۳).

دیدگاه

به احتمال به هزینه‌های اختصاصی در مقایسه با شناخت و اندازه‌گیری یا حتی افشا، وزن زیادی داده می‌شود. در اینجا،

(S2) ارائه شد. در دسامبر ۲۰۲۲، خزانه‌داری فدرال استرالیا نیز از این روند پیروی و پیشنهاد مشورتی را منتشر کرد که در آن گزارشگری شرایط اقلیمی (آب‌وهوا) برای نهادهای استرالیایی اجباری شد و طی سه سال مرحله‌به‌مرحله اجرا می‌شود. در زمان نوشتن، پیشنهاد فعلی این است که اجرای مرحله‌به‌مرحله برای واحدهای گروه اول برای گزارشهای سالانه از ۱ ژانویه ۲۰۲۵ یا پس از آن آغاز خواهد شد، برای واحدهای گروه دوم از ۱ ژوئیه ۲۰۲۶ و واحدهای گروه سوم از ۱ ژوئیه ۲۰۲۷ لازم‌الاجراست.

وزارت خزانه‌داری فدرال استرالیا در مشاوره خود در ژوئن ۲۰۲۳ تأیید کرده است که:

دولت متعهد شده است که . . . برای استرالیاییها و سرمایه‌گذاران شفافیت و پاسخگویی بیشتری را در مورد برنامه‌های اقلیمی (آب‌وهوا)، ریسکهای مالی و فرصتها فراهم کند.

به‌عنوان بخشی از این تعهد، دولت الزامهای گزارشگری استاندارد و مطابق با موارد بین‌المللی را برای کسب‌وکارها معرفی خواهد کرد تا افشاکندگان اطلاعات، راهبری شرکتی، استراتژی، مدیریت ریسک، اهداف و معیارها - ازجمله گازه‌های گلخانه‌ای را مدنظر قرار دهند.

همزمان هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB) پروژه‌ای را به دستورکاری خود در مارس ۲۰۲۳ در مورد ریسکهای اقلیمی (آب‌وهوایی) در صورتهای مالی، افزود. بر این اساس، نقش گزارش پایداری در خط مقدم بسیاری از تصمیمهای سرمایه‌گذاران قرار دارد. طبق گزارش قسمت (۱)، ما بر ریسکهای اقلیمی (آب‌وهوایی) طبق نظر هیئت استانداردهای بین‌المللی پایداری (ISSB)، و رویکرد اقلیمی نخست وزارت خزانه‌داری فدرال استرالیا، و تحولات اخیر پروژه IASB تمرکز می‌کنیم. ما بر جنبه‌های ریسکهای اقلیمی گزارشگری مالی تمرکز می‌کنیم؛ از آن جایی که ارتباط بین گزارشهای مالی و گزارشهای پایداری سوالی کلی است.

استاندارد افشای پایداری ۱ پیش از این در گزارشهای پایداری عنوان کرده است که، واحدهای تجاری باید به‌نحو افشاگری کنند تا استفاده‌کنندگان صورتهای مالی بتوانند ارتباط بین ریسک و فرصتهای مرتبط با پایداری را با اطلاعات

نیستند. همانطور که یکی از سرمایه‌گذاران اظهار داشت:

من فکر می‌کنم در بازار استرالیا، که در آن سرمایه‌گذار خرد به‌طور معقولی برجسته است . . . افزودن یک دارایی نامشهود، به‌طور بالقوه می‌تواند سرمایه‌گذاران را گمراه کند، و به‌احتمال مشکل‌ساز خواهد بود. می‌توان نوعی تأخیر در کاهش ارزش برند یا چیز دیگری را تصور کرد که باعث می‌شود برخی افراد به این فکر کنند که در کسب‌وکار ارزشی وجود دارد؛ در حالی که ارزش برند به‌سرعت کاهش می‌یابد (سرمایه‌گذار ۳).

با این وجود، سرمایه‌گذاران خرد خودشان در توسعه شناخت داراییهای نامشهود، ارزشی را می‌بینند؛ به‌طوری که یک سرمایه‌گذار اشاره می‌کند:

فکر می‌کنم این کار تنها کمیت ایجاد می‌کند؛ اگر من درنظر داشته باشم در دو کسب‌وکار مشابه سرمایه‌گذاری کنم. این چیزی است که می‌توان آن را در آینده نیز اندازه‌گیری کرد. به این ترتیب، من می‌توانم مقایسه مستقیمی انجام داده و تصمیم بگیرم که در شرکت "الف" سرمایه‌گذاری کنم یا در شرکت "ب". در این حالت، مقایسه خیلی ساده‌تر است؛ مانند استفاده از یک معیار، یا درآمد هر سهم (سرمایه‌گذار ۶).

به‌طور خلاصه، بیانیه اخیر هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB) در مورد مرور جامع حسابداری داراییهای نامشهود، بسیار مورد نیاز بود (IASB، ۲۰۲۴). شواهد بالا نشان می‌دهد که مرور جامع باید به‌طور اساسی توسعه شناخت ترازنامه (صورت وضعیت مالی) را مورد توجه قرار داده و نیز به چالشهای مرتبط با اندازه‌گیری داراییهای نامشهود بپردازد.

دیدگاه سرمایه‌گذاران: گزارشگری مالی مرتبط با

پایداری

از زمان تأسیس هیئت استانداردهای بین‌المللی پایداری (ISSB) در نوامبر ۲۰۲۱، تحولات بین‌المللی در حوزه پایداری سرعت گرفته است. هیئت استانداردهای بین‌المللی پایداری وظیفه ایجاد مبنایی جهانی برای گزارشگری پایداری دارد، که در ژوئن ۲۰۲۳ همراه با انتشار IFRS S1 الزامهای عمومی برای افشای اطلاعات مالی مرتبط با پایداری (S1) و IFRS S2 افشاهای مرتبط با شرایط اقلیمی (آب‌وهوا)

گزارش شده در صورتهای مالی درک کنند (بارکو و فابر، ۲۰۲۳؛ ISSB، ۲۰۲۳a، پاراگراف ۲۱). پس چگونه باید گزارشهای مالی برای اتصال به گزارشهای پایداری تلاش کنند؟

چالشهای گزارشگری مالی در رابطه با ریسک اقلیمی (آبوهوایی)

در بررسی چگونگی انعکاس ریسکهای اقلیمی در گزارشگری مالی، رویکردهای متعددی را با سرمایهگذاران مورد بحث قرار دادیم، از افشای کیفی تا افشای کمی، و حتی در حالت افراطی، شناخت و اندازهگیری ذخیره یا بدهی نامشهود ریسکهای اقلیمی در صورتهای مالی را شامل می‌شد. مصاحبه‌شوندگان ما چالشهای متعددی را برای گزارش ریسکهای اقلیمی در گزارشهای مالی و صورتهای مالی مطرح کردند. در ادامه به تفصیل به این چالشها می‌پردازیم:

(الف) گزارشگری مالی درباره ریسک اقلیمی نوعی ابهام‌آفرینی می‌کند و به اندازه‌ای تحت کنترل مدیریت نیست که بتوان آن را مرتبط و بااهمیت تلقی کرد:

چرا من لازم است تا این موارد را در صورتهای مالی در نظر بگیرم، چون جنجال‌برانگیز خواهد بود. چه چیز این موارد توسط مدیریت قابل کنترل است؟ فکر می‌کنم میزان توانایی مدیریت برای اجتناب از برخی از این هزینه‌ها به نسبت پایین است. البته حدس می‌زنم در بسیاری از کسب‌وکارها، این میزان به نسبت پایین باشد. علاوه بر این، عوامل خارجی زیادی وجود دارد که بر این ریسکها تاثیر می‌گذارند. این موضوع می‌تواند باعث نوعی ناهماهنگی بین مسئولیت‌پذیری مدیریت و آنچه در صورتهای مالی می‌بینیم شود؛ به‌ویژه در مورد این که این موضوع چطور وارد صورت سودوزیان یا سود جامع می‌شود.

من معتقد نیستم که صورتهای مالی باید به یک مرکز جامع تبدیل شوند که هر نوع برآورد ممکن از هر چیزی را در خود جای دهند (سرمایه‌گذار ۳).

به همین ترتیب، سرمایهگذاران سوال کرده‌اند که آیا کمی نمودن ریسکهای اقلیمی به‌طور معناداری ممکن است:

«چطور می‌توان آن را به دقت در حسابها منظور کرد؟ ریسک آبوهوایی پیچیده است، چون به تقریب

غیرممکن است که بتوان آن را کمی‌سازی کرد؛ مگر در عملیات واضحی مثل سوزاندن سوخته‌های فسیلی» (سرمایه‌گذار ۸).

(ب) سرمایه‌گذارانی که مورد مصاحبه قرار گرفتند، همچنین نگرانیهای خود را در مورد قابلیت مقایسه گزارشها در حوزه اقلیمی (آبوهوایی) مطرح کردند:

بنابراین برای مثال، من فکر می‌کنم که {شرکتها} در گزارشهای سالانه خود، کاهش انتشارکربن را به صورت سال به سال فاش کرده بودند. اما من نمی‌فهمم این کاهش از دیدگاه استرالیا و صنعت چه تاثیری دارد. آیا آنها پیشرو در بازار هستند یا هنوز از دیگران عقب هستند ... (سرمایه‌گذار ۶).

(ج) گزارشهای مرتبط به شرایط اقلیمی (آبوهوایی)، می‌تواند موجب ایجاد ابهام و سردرگمی در خصوص عملکرد مالی «واقعی» شود:

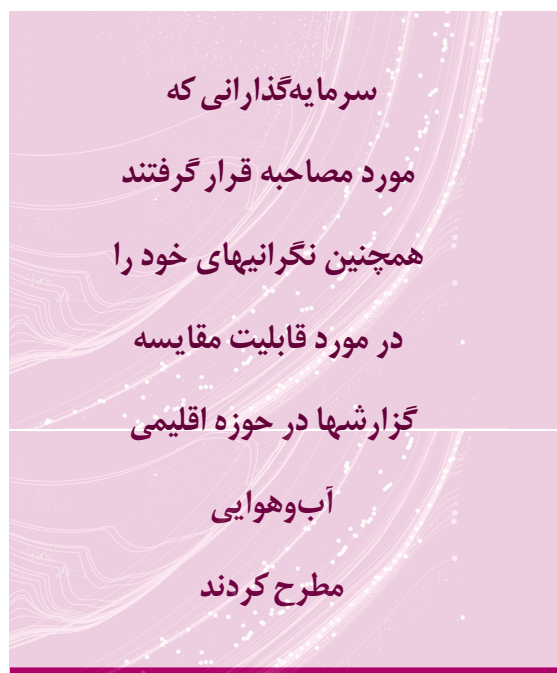
...

«این فقط نوعی ویتترین‌سازی است برای اقناع سرمایه‌گذاران نهادی بزرگ که خودشان تحت فشار فزاینده‌ای از سوی سرمایه‌گذاران خرد قرار دارند... اما در واقع، سرمایه‌گذاران خرد درک روشنی از نحوه تاثیر این اقدامها ندارند. این بیشتر واکنشی به روندهای رایج بازار است تا یک اقدام دارای محتوای واقعی» (سرمایه‌گذار ۵).

من گاهی تحت تاثیر برخی از نمودارها و ارائه‌های گرافیکی قرار می‌گیرم؛ در حالی که این عناصر می‌توانند باعث ایجاد اختلال اطلاعاتی شده و تمرکز را از محتوای اصلی گزارش مالی منحرف کنند.

پاسخها و دیدگاهها

پیش‌زمینه دیدگاههای مختلف سرمایه‌گذاران ما نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از بحثها ناشی از نوپایی نسبی گزارشگری در این حوزه است؛ چرا که سرمایه‌گذاران بیشتر تنها تجربه‌ای از گزارشگری داوطلبانه و غیراستاندارد داشته‌اند. بنابراین، ما دریافتیم که سرمایه‌گذاران ما در تصور شکل آینده گزارشگری مالی در این زمینه با دشواری مواجه هستند. این در تضاد آشکاری



ترجیح می‌دهند که اطلاعات مرتبط با ریسکها و فرصتهای اقلیمی (آب‌وهوایی) به‌طور جداگانه در گزارشهای پایداری و نه در صورتهای مالی ارائه شوند. با این حال، شواهد نشان می‌دهد که ممکن است مواردی مانند کاهش ارزش داراییها وجود داشته باشد که از تجزیه و تحلیل سناریوهای اقلیم (آب‌وهوایی) در گزارشهای پایداری تغذیه می‌شوند تا اقلام جانبی در صورتهای مالی. ارتباط پذیری^۵ به‌وضوح یک حوزه ظریفی است که هنوز به‌خوبی درک نشده است.

ب) به‌احتمال قابلیت مقایسه دلیل نیاز ما به استانداردها است، و سرمایه‌گذاران مشتاق دیدن تحولات و پیشرفتهایی در این زمینه بودند؛ به‌ویژه در مورد اطلاعات مرتبط با گزارشهای پایداری:

... موضوع به توانایی مقایسه با همتایان بازمی‌گردد. از دید یک مدیر سرمایه‌گذاری، نمره ESG یک شرکت معدنی در مقابل یک بانک برای من چندان مهم نیست؛ این یک داده نامربوط است و به‌احتمال حتی در طول ده سال آینده نیز بی‌اهمیت باقی خواهد ماند. با این حال، من بیشتر به تفاوت‌های بین یک شرکت معدنی و شرکت معدنی دیگر علاقه‌مند خواهم بود؛ چون این اطلاعات برایم مفید خواهد بود (سرمایه‌گذار ۸).

با تجربه آن‌ها در گزارشگری درباره داراییهای نامشهود است. با این حال، پاسخها به چالشهای شناسایی شده در گزارشگری پایداری (چه در داخل گزارشهای مالی و چه به‌صورت جداگانه) برخی بینشها را به این موضوع ارائه می‌دهند:

الف) ممکن است مسایل مربوط به شایعات^۶ موجود و کنترل پذیری درست باشند، اما می‌توان گفت که این موضوع در بسیاری از مواردی که هم‌اکنون در گزارشگری مالی عمومی گنجانده‌ایم نیز صدق می‌کند. هم‌اکنون شاهد این هستیم که سرمایه‌گذاران خواهان اطلاعات مرتبط با تغییرهای اقلیمی هستند، حتی اگر این اطلاعات شامل معیارهای پرابهام یا برآوردهای «نامشخص» باشد

من تمایلی ندارم هر دو نوع اطلاعات کمی و کیفی را داشته باشم، بلکه باید زمینه و توضیحاتی درباره اعداد ارائه دهم. فکر می‌کنم اگر بدانید فرضها چیستند، این می‌تواند اطمینان‌بخش باشد حتی اگر عددی مبهم باشد (سرمایه‌گذار ۶).

در حالی که مشخص شد که دریافت اطلاعات کمی نادرست ممکن است ریسک طرح دعوی حقوقی را در پی داشته باشد، این امر ارزش کمی‌سازی اطلاعات را رد نمی‌کند:

... اگر به‌طور وضوح هزینه‌های دعاوی حقوقی در نظر گرفته شده باشد، به‌قطع بر سود نهایی تاثیر خواهد گذاشت. بنابراین بله، این موضوع قابل توجه است. اما فکر می‌کنم تمایل بیشتری دارم به این سمت که اطمینان بیشتری داشته باشم که آن‌ها تلاش کرده‌اند ریسکهای کلیدی کسب‌وکارشان را شناسایی کنند. و اگر فرضهای روشنی مطرح کرده باشند، و اگر موارد خاصی که خارج از روال بوده‌اند رخ داده باشد، فکر می‌کنم درک بیشتری نسبت به پیامدهای بعدی آن خواهم داشت (سرمایه‌گذار ۶).

قابل توجه است که این سرمایه‌گذار به تحلیل سناریوهای اقلیمی در گزارش پایداری اشاره دارد — تمایل کمی برای کمی‌سازی ریسک اقلیمی به‌صورت عددی و مالی در صورتهای مالی وجود داشت.

دیدگاه

دشواری در کمی‌سازی را می‌توان از طریق شفافیت فرضها مورد خطاب قرار داد، اما در حال حاضر سرمایه‌گذاران

فرض من این است
زمانی که کسب و کارها اقدام به
تولید محصولات و
خدمات جدیدی می‌کنند
تمایل به افشا ندارند

استانداردها و دسترسی سرمایه‌گذاران به سابقه گزارش‌دهی شرکتها درباره ریسکها و فرصتهای مرتبط با تغییرهای اقلیمی، فرصتهای پوشش ظاهر سازی سبز کمتر خواهد شد. با توجه به ذات آینده‌نگر این گزارشها (و در نتیجه احتمال ارائه استراتژیک اطلاعات)، سرمایه‌گذاران علاقه‌مند بودند که بتوانند در طول زمان تحلیلهای روند بلندمدتی (longitudinal analysis) از سناریوهای اقلیمی گزارش‌شده انجام دهند.

فکر می‌کنم استفاده از تحلیل سناریوها روشی مناسب است که با ارائه این فرضیه‌ها و با توجه به نمونه‌های متعددی که در گذشته در صورتهای مالی از سناریوها استفاده شده، بتوان نوسانها و تغییرپذیری عوامل موثر بر نتایج را، مانند نوسانهای ارزی و حتی سایر متغیرها، به‌خوبی نشان داد. (سرمایه‌گذار ۲)

این سناریوها ممکن است به صورتهای مالی مرتبط باشند؛ زیرا قضاوتهای مربوط به کاهش ارزش را بیان می‌کنند:

بله، فکر می‌کنم یک یادداشت با فرضیه‌های کلی خوب است. برای مثال، روی صورت وضعیت مالی اشاره و گفته شود «به یادداشت شماره ۳ مراجعه کنید». وقتی به یادداشت شماره ۳ مراجعه می‌کنید، نوشته شده که از سناریوی استاندارد تغییر اقلیم استفاده شده یا این فرضیه‌ها در نظر گرفته شده‌اند و

... اگر این استاندارد شده نباشد و شما نتوانید مقایسه انجام دهید (سرمایه‌گذار ۸).
 فکر می‌کنم هر جا که امکان کمی‌سازی وجود داشته باشد، ما دوست داریم یک رویه استاندارد برای آن ببینیم. اگر یک نهاد ناظر استاندارد داشته باشد که بگوید، برای مثال، پیامدهای زیست‌محیطی قرار است براساس مقیاسی از یک تا هر عددی ارزیابی شود؛ جایی که عدد یک یعنی عالی و هر عدد دیگر یعنی وضعیت بسیار بد، و این استاندارد به‌طور یکنواخت در همه جا اجرا شود، آن وقت این امر بسیار مفید خواهد بود (سرمایه‌گذار ۵).

دیدگاه

در حالی که تمایل برای استانداردها برای ارتقای قابلیت مقایسه وجود دارد، لازم است احتیاط شود. خطر ایجاد انبوهی از معیارها وجود دارد (به‌عنوان مثال، به معیارهای بین صنعتی و صنعت خاص در IFRS S2 نگاه کنید)، که قابلیت مقایسه را به مشکلی چندبعدی و چالش‌برانگیز تبدیل می‌کند. برخی از معیارها مرتبط با صنعت خاصی است که همچنان قابلیت مقایسه را چالش‌برانگیز می‌کند (و تا حدودی مشابه موضوعهای مرتبط با صنعت خاص در گزارشگری مالی و معیارهایی است که توسط اصول عمومی حسابداری پذیرفته نیست (به داورن و همکاران، 2019a، 2018b مراجعه کنید). همچنین نگرانیهایی در مورد کیفیت داده‌ها وجود دارد. گزارشهایی در مورد ریسکهای اقلیمی (آب‌وهوایی) بیشتر به داده‌های برون‌سازمانی متکی خواهند بود (به‌عنوان مثال، مرحله ۳ انتشار آلاینده‌های بالادستی در زنجیره تامین)، که در اعتباربخشی به کیفیت داده‌ها ممکن است دشوار باشد. همچنین شواهد قبلی به‌طور گسترده‌ای عنوان می‌دارد که افشای مرتبط با گزارشگری مالی، برخلاف شناخت و اندازه‌گیری، مبتنی بر داده‌ها با کیفیتی پایین است (داورن و همکاران 2019b)

(ج) سبز شویی (یا حساب‌آرایی زیست محیطی) - (Greenwash-ing) و ظاهر سازی (window-dressing) در گزارش‌دهی پایداری، اگرچه نگرانی مشروع است، اما به‌دلیل نوپا بودن نسبی این حوزه گزارش‌دهی، تشدید شده است. با توسعه

ریسکهای اقلیمی (آب‌وهوایی) هنوز آمادگی لازم برای رسیدن به راس هرم گزارشگری مالی- ساخت و اندازه‌گیری را ندارند.

این یافته‌ها از تدوین استانداردهای جداگانه برای گزارشگری پایداری حمایت می‌کند و نیاز به ملاحظات دقیق ارتباط بین گزارشگری پایداری و گزارشگری مالی را برجسته می‌کند. تجزیه و تحلیل سناریوی اقلیمی نقش کلیدی ایفا می‌کند؛ اما بررسی سایر موارد درباره نحوه برقراری بهترین ارتباط بین سناریوها، بدون این که سرمایه‌گذاران دچار سردرگمی یا ابهام در مورد عملکرد مالی شرکت شوند، همچنان ادامه خواهد داشت. به عنوان مثال، حد آستانه یک سناریوی اقلیمی که منجر به کاهش ارزش داراییها در صورت وضعیت مالی (ترازنامه) شود، کدامند؟

اهمیت، مفهومی حیاتی است که اغلب به درستی درک نشده است (به عنوان مثال، فریک و همکاران ۲۰۲۳)، و با مفاهیم ما ارتباط دارد. ارزیابی اهمیت شامل ادغام اطلاعات کمی (به عنوان مثال، پیامدهای مالی، و احتمال رویدادهای ریسک اقلیمی) و اطلاعات کیفی است.

سایر دیدگاه‌ها در مورد سرمایه‌گذاران و عدم قطعیت اندازه‌گیری

همانطور که پیش از این ذکر شد، ما به طور خاص به دنبال مصاحبه با سرمایه‌گذارانی بودیم که نمایانگر بخش وسیعی از بازار سرمایه بودند. این وسعت ما را قادر می‌سازد تا بینشی جامع در مورد گزارشگری مالی از طریق مقایسه و تقابل دیدگاه‌های سرمایه‌گذاران مختلف به دست آوریم.

برای مثال، در مصاحبه‌ها خیلی مشهود بود که همه سرمایه‌گذاران شبیه هم نیستند. سرمایه‌گذاران دیدگاه‌های مختلفی در این مورد دارند که آیا ساخت جامع اقلام موجود در صورتهای مالی با مقاصد عمومی، برای تصمیم‌گیری مفیدتر هستند. همچنین، سرمایه‌گذاران در صورتهای مالی با مقاصد عمومی، نسبت به تاییدیه حسابرسان در مورد عدم قطعیت اندازه‌گیری و ذهنی بودن، درجه حساسیت متفاوتی دارند. همچنین، رویکرد آنها در تفسیر اطلاعات مالی نیز به نسبت متفاوت است؛ به طوری که سرمایه‌گذاران

محدوده تخمینی ما همین است. لازم نیست خیلی طولانی باشد، فقط چند درصد و بازه‌های حدودی و مواردی از این دست کافی است.

(سرمایه‌گذار ۹)

در مورد این که آیا باید ذخیره یا بدهی مربوط به ریسک اقلیمی شناسایی شود، اجماع نظر، مخالف چنین گزارش‌دهی بود - مگر این که معیارهای شناخته شده شناسایی، از جمله اندازه‌گیری قابل اتکا، برآورده شود.

آیا بدهی اقلیمی به این معناست که خود کسب و کار در صورت تصویب قوانین مربوط، موظف به پرداخت این بدهی خواهد بود؟ یا این که نتیجه عملیات آنها چنین تعهدی را ایجاد می‌کند که بیشتر توسط نسلهای آینده، دولتها و دیگران پرداخت خواهد شد؟

به نظر من، این دو نتیجه برداشتها و پیامدهای بسیار متفاوتی برای سرمایه‌گذار دارد. بنابراین آیا من مایل به مشاهده آن هستم؟ بله، اگر در چارچوبی باشد که هزینه‌ها به واقع توسط شرکتها متحمل شود، به قطع خواهان دیدن آن هستم. در غیر این صورت، شاید بهتر باشد که در صورتهای مالی به طور مستقیم نشان داده نشود؛ اما آیا باید در بخشهای دیگر به صورت گسترده افشا شود؟ بسیار محتمل است.

(سرمایه‌گذار ۳)

دیدگاه

تحلیل سناریو به وضوح نقش کلیدی در اطلاع‌رسانی ریسکهای اقلیمی پیش روی واحد تجاری به سرمایه‌گذاران دارد، اما استانداردهای گزارشگری شفاف، که بخشی از آن ممکن است شامل الزام به بیان شفاف فرضهای اساسی مورد استفاده باشد، برای کمک به کاهش ریسک سبزشویی^۶ و ظاهرسازی^۷ مورد نیاز است.

پیامدها و مسایل مربوط به سیاستگذاری و خط مشی

اجماع در میان سرمایه‌گذاران به روشنی نشان می‌دهد که

خرد غیرماهر در سرمایه‌گذاری فقط به تجزیه و تحلیل کمی اکتفا می‌کنند.

علاوه بر این، رویکرد یک سرمایه‌گذار در رویارویی با عدم قطعیت اندازه‌گیری، بسیار جالب بود.

این سرمایه‌گذار دارای افق زمانی طولانی مدت بود، که قصد نگهداری سهام را برای ۱۵-۱۰ سال را داشت. برای مدیریت نگرانیهای مرتبط با عدم قطعیت اندازه‌گیری، این سرمایه‌گذار، سرمایه‌گذاریهای خود را زمان‌بندی کرد؛ به طوری که اطمینان حاصل کرد که عدم قطعیت اندازه‌گیری برای سرمایه‌گذاری هدف کمی بود، یا تغییرپذیری بالقوه بیشتر به نفع سرمایه‌گذار است. در اصل، استراتژی سرمایه‌گذاری آن‌ها عدم قطعیت اندازه‌گیری را در زمان تصمیم‌گیری خرید در نظر گرفته است. ارزش گزارشگری مالی برای سرمایه‌گذاران به طور کامل مشهود بود؛ حتی برای سرمایه‌گذارانی که به طور انحصاری به تجزیه و تحلیل بازار متکی بودند و سرمایه‌گذارانی که از صورتهای مالی واحد تجاری در انجام تصمیمهای سرمایه‌گذاری استفاده نکردند. به عنوان مثال، یکی از سرمایه‌گذاران رویکرد خود را در قالب تعقیب نوسانهای کوتاه مدت و قیمت‌گذاری اشتباه در بازار با استفاده از تجزیه و تحلیل کمی عنوان کرد. (یعنی به نظر می‌رسد شکل پیچیده‌ای از تحلیل تکنیکال باشد). این سرمایه‌گذار در حالی که از گزارشهای مالی استفاده نمی‌کند، می‌خواهد تا گزارشهای مالی جامع را ببیند. منطقی آن‌ها این بود که در حالی گزارش خوب ممکن است نوسانها را کاهش دهد، سرمایه‌گذاران را افزایش می‌دهد و بنابراین فرصتهای بیشتری برای معاملات مبتنی بر رویکرد الگوریتمی ایجاد می‌کند.

نتیجه‌گیری: آینده گزارشگری مالی

ما موضع خود را مبنی بر ناکافی بودن افشاهای داوطلبانه دوباره تأیید می‌کنیم و حمایت خود را از حرکت به سمت گسترش شناخت و اندازه‌گیری (برای مثال، برای داراییهای نامشهود) یا بیان بهتر ارتباط بین افشاهای اجباری (مانند تحلیل سناریوهای اقلیمی در گزارش پایداری) و اقلام شناخته‌شده

در صورتهای مالی عمومی اعلام می‌کنیم. قابل توجه است که پروژه داراییهای نامشهود هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB) و حرکت به سمت گزارشگری اجباری اقلیمی توسط سیاستگذاران، نشان می‌دهد که ما در مسیر درستی قرار داریم.

در کل، حرکت به سمت گزارشگری اجباری تحلیل سناریوهای اقلیمی برای برخی نهادها در استرالیا و توسعه و پیاده‌سازی استانداردهای گزارشگری پایداری در سطح بین‌المللی، قابل تحسین است، اما همچنان چالشهایی باقی است.

عدم قطعیت در اندازه‌گیری ممکن است فراگیر باشد؛ با این حال، عدم قطعیت نباید مانعی برای گزارشگری باشد. به نظر می‌رسد تحمل بیشتر برای ذهنی‌بودن اندازه‌گیری موجه باشد - مشروط بر این که با افشای فرضهای اساسی و اطمینان معقول همراه باشد. هنوز در حال بحث است که چه زمانی چنین معیارهای نامطمئن اقلام حسابداری قرار است به بالای هرم منتقل شوند تا اطمینان حاصل شود که در صورتهای مالی با مقاصد عمومی شناسایی می‌گردد یا افشای اجباری در یادداشتهای توضیحی کافی باشد. پیچیدگی سرمایه‌گذاران (و در واقع تهیه‌کنندگان) باید در کنترل عدم قطعیت اندازه‌گیری در نظر گرفته شود - درک این موضوع که همه سرمایه‌گذاران یکسان نیستند. بعید است که رویکرد یکسانی برای همه موفقیت‌آمیز باشد.

هنگامی که در نظر می‌گیریم که چگونه عدم قطعیت اندازه‌گیری موجب ایجاد چالشهایی در شناخت جامع می‌شود، چندین مضمون پدیدار می‌شوند. آینده همیشه نامشخص است، و در حالی که روشهای اندازه‌گیری در حال تکامل هستند اما ممکن است توسط سرمایه‌گذاران به خوبی درک نشوند - منجر به عدم اعتماد می‌شود. عدم شفافیت کافی در مورد فرضهای بنیادی اندازه‌گیری و توضیحات نامعلوم در مورد روشهای اندازه‌گیری، از قابلیت مقایسه و سودمندی جلوگیری می‌کند. تحقیقهای بیشتری برای درک چگونگی تفسیر سرمایه‌گذاران در مورد افشای عدم قطعیت و ذهنی‌بودن نیاز است تا موجب اطلاع‌رسانی برای سیاست‌گذاری دقیق شود. مسایلی که در مورد گزارشگری

- Barth, M. E. (2022). Accounting standards: the 'too difficult' box—the next big accounting issue? *Accounting and Business Research*, 52(5), 565–577.
- Barckow, A., & Faber, E. (2023, March 23). Connectivity – what is it and what does it deliver? IFRS. <https://www.ifrs.org/news-and-events/news/2023/03/connectivity-what-is-it-and-what-does-it-deliver/>
- Chenhall, R. H., and R. Juchau. "Investor information needs – an Australian study." *Accounting and Business Research* 7.26 (1977): 111–119.
- Davern, M., N. Gyles, D. Hanlon, B. Potter and R. Subramaniam (2022). The Horizons of Financial Reporting – Part 1 Preparer Perspectives.
- Melbourne, CPA Australia. Davern, M., N. Gyles, D. Hanlon and M. Pinnuck (2018a). Are financial reports still useful to investors? Decision Usefulness in Financial Reports, CPA Australia. Research report no. 1.
- Davern, M., N. Gyles, D. Hanlon and M. Pinnuck (2019a). "Is Financial Reporting Still Useful? Australian Evidence." *Abacus*, 55(1): 237–272.
- Davern, M., N. Gyles, D. Hanlon and M. Pinnuck (2018b). Relevance of alternative performance measures and non-financial information for investor decision making in Australia. Decision Usefulness in Financial Reports, CPA Australia. Research report no. 2.
- Davern, M., N. Gyles, D. Hanlon and F. Shah (2019b). Implementing AASB 16 Leases: Are Preparers Ready? Melbourne, CPA Australia.
- Davern, M., B. Tan and J. Gu (2021). Disclosing Unrecognized Intangibles. <http://hdl.handle.net/11343/273715> Frick, T., B. Potter and M. Davern (2023). Auditors' Perspectives: The Impact of IFRS Practice Statement 2: Making Materiality Judgments. AASB Research Report Australian Accounting Standards Board. IASB (2024), "IASB launches comprehensive review of accounting for intangibles", [داده‌های ورودی ارزش منصفانه سطح ۳ مطرح شده بود، با برخی از واحدهای تجاری که چنین محدوده وسیعی را ارائه می‌دهند، فاقد تفسیر معنادار است.](https://www.ifrs.org/news-and-events/news/2024/04/iasb-launches-comprehensive-review-accounting-for-intangibles/ISSB. (2023a). IFRS S1 General Requirements for Disclosure of Sustainability-related Financial Information. ISSB. (2023b). IFRS S2 Climate-related Disclosures.

</div>
<div data-bbox=)

سیاست‌گذاران چگونه باید عمل کنند؟ در حالی که سیاست‌گذاران در مسیر درستی حرکت می‌کنند، چندین موضوع نیاز به بررسی عمیق‌تری دارند. برای داراییهای نامشهود، سیاست‌گذاران می‌توانند شناخت و اندازه‌گیری مجزایی را در نظر بگیرند. اهمیت نیز یکی از ملاحظات کلیدی است که با وجود قدمت آن، به خوبی درک نشده یا به کار گرفته نشده است. به‌ویژه با حرکت به سمت گزارشگری پایداری، این موضوع مشهود می‌شود؛ جایی که ابعاد جدیدی از اهمیت مورد بحث قرار گرفته است. به هم مرتبط کردن گزارشگری مالی و گزارشگری پایداری [به‌طور واضح حوزه‌ای است که نیاز به سیاستهای بیشتری دارد تا معنا و ارزش گزارشگری مالی و گزارشگری پایداری ارتقا یابد.



پانوشته‌ها :

- ۱- بند ۳۸ استاندارد حسابداری ۱۷ داراییهای نامشهود ایران
- ۲- معادل بند ۴۱-۴ پیوست استانداردهای حسابداری ایران مفاهیم نظری گزارشگری مالی
- ۳- استاندارد حسابداری ۱۷ داراییهای نامشهود ایران
- 4- noise
- 5- Connectivity
- ۶- "Greenwashing" یا "سبزشویی" به معنای این است که یک شرکت یا سازمان ادعا می‌کند که محصولات و خدماتش دوستدار محیط زیست است، در حالی که در واقع این ادعاها درست نیست و تنها برای فریب مصرف‌کنندگان و بهبود تصویر عمومی خود از محیط زیست استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، سبزشویی نوعی بازاریابی فریبنده است که در آن شرکتها با ادعاهایی به ظاهر سبز، سعی می‌کنند به مصرف‌کنندگان القا کنند که محصولاتشان برای محیط زیست ایمن است، در حالی که فعالیت‌هایشان به محیط زیست آسیب می‌رساند.
- 7- window-dressing

منبع :

- CPA Australia, 2022. The Horizons of Financial Reporting – Part 2 <https://www.cpaaustralia.com.au/-/media/project/cpa/corporate/documents/tools-and-resources/financial-reporting/reporting-research-initiatives/horizons-of-financial-reporting-part-2.pdf>